

کتاب دانیال — شماره یک صد و سی و هفت

آشکار ساختن اهمیت نبوی نشانه‌های راه: از ۱۷۷۶ تا ۲۰۲۳

Jeff Pippenger

2024-03-15

مُدَّة خَتَمِ المِئَةِ والأربعَةِ والأربعينَ أَلْفًا، التي بدأت في 11 سبتمبر 2001 وتختتم عند قانون الأحد في الولايات المتحدة، هي الفترة التي يتم فيها إتمام أثر كل رؤيا. وبعضُ تلك الرؤى يمتد إلى المجيء الثاني للمسيح، ولكن حتى تلك التي تقع بعد قانون الأحد فإنها تظل مرتبطة بفترة الختم. وختم المِئَةِ والأربعَةِ والأربعينَ أَلْفًا هو الموضوع الذي يتحقق فيه العهد الأبدى تحقيقًا كاملاً. ففي تلك الفترة يكتب المسيح شريعته على قلوب شعبه وأذهانهم إلى الأبد. وذلك الختم يُمثل باتحاد اللاهوت بالناسوت، الذي لا يخطئ.

پیوند نمادین «دویست و بیست» هم نمایانگر احیا است، و هم بیانگر پیوند الوهیت با انسانیت. دویست و بیست سال از کتاب مقدس ترجمه شاه جیمز تا نخستین ارائه عمومی ویلیام میلر در سال 1831 و سرانجام انتشار آن در Vermont Telegraph در سال 1833، نمایانگر پیوند الوهیت با انسانیت است. این عدد دربردارنده امضای «حقیقت» است؛ همان واژه عبری که زبان‌شناس شگفت‌انگیز آن را پدید آورد، به گونه‌ای که نخستین، سیزدهمین، و آخرین حروف الفبای عبری را با هم ترکیب کرد تا واژه «حقیقت» را تشکیل دهد. دویست و بیست سال از 1611، و از کتاب مقدس شاه جیمز، تا 1831 و انتشار پیام میلر، امضای آن زبان‌شناس شگفت‌انگیز را باز می‌تاباند.

در میان آن دو تاریخ (1611 و 1831)، «زمان آخر» در 1798، نمایانگر گشوده شدن مَهْری از پیامی از کتاب دانیال (کتاب مقدس نسخه پادشاه جیمز) است که فزونی معرفتی را پدید می‌آورد که به انتشار اثر میلر در 1831 انجامید. «زمان آخر» در 1798 همچنین آغاز فرایند آزمونی را رقم زد که به شورش باکره‌گان نادان انجامید؛ همانانی که دانیال در باب دوازدهم ایشان را شریران معرفی می‌کند. از این‌رو، 1798 نمایانگر عدد سیزده است، در میان نخستین و آخرین حرف، زیرا سیزده نماد شورش است. 1798 همچنین با دوره آمادگی از 1776 تا 1798، یعنی زمان آخر، مرتبط است.

چنان‌که در پیوند دویست و بیست ساله میلر، سال ۱۷۷۶ نیز با یک انتشار الهی، یعنی «اعلامیه استقلال»، مشخص می‌گردد و دوره‌ای را آغاز می‌کند که در ۱۷۹۸ با انتشار «قوانین بیگانگان و فتنه» به پایان می‌رسد. دویست و بیست سال پیوند نمادین الوهیت و انسانیت در نظر میلر، به واسطه سال ۱۷۹۸ با بیست و دو سال آمادگی، از زمان انتشار «اعلامیه استقلال» تا انتشار «قوانین بیگانگان و فتنه» در ۱۷۹۸، مرتبط می‌گردد. بیست و دو، که یک‌دهم دویست و بیست، یا عشر دویست و بیست است، همان‌گونه که عدد دویست و بیست، نمایانگر پیوند الوهیت با انسانیت است.

دویست و بیست سال میلر حامل مَهْر حقیقت است؛ همان‌گونه که زمان مَهْر زدن صد و چهل و چهار هزار نیز چنین است، و دوره آمادگی از 1776 تا 1798 نیز همان مَهْر را داراست، زیرا تاریخ میانی 1789 نشانه‌گر انتشار قانون اساسی‌ای است که به تصویب سیزده مستعمره رسید.

پیوند میلر که در سال 1611 آغاز شد و در 1831 پایان یافت و نقطه میانی آن در 1798 قرار داشت، با دوره بیست و دو ساله 1776 تا 1798، که نقطه میانی آن 1789 است، مرتبط می‌باشد. هر پنج تاریخ 1611، 1776، 1789، 1798 و 1831 با اثری از نشر نمایان شده‌اند. تاریخ‌های دوره آمادگی، عشر بیست و دو سال، از 1776 تا 1798، را در بر دارد، و آن دوره زمان مَهْر شدن یکصد و چهل و چهار هزار را به تصویر می‌کشد، که همان زمانی است که الوهیت با انسانیت متحد می‌شود. دوره دویست و بیست

سالہ میلر، و نیز دورہ آمادہ سازی بیست و دو سالہ از 1776 تا 1798، ہر دو پیوند الوہیت با انسانیت را نمایندگی می کنند۔

زمان مہر ایک لاکھ چوالیس ہزار کا آغاز 11 ستمبر 2001 کو ہوا، اور یہ تیسرے افسوس کے اسلام کے روحانی جلالی ملک پر ضرب لگانے سے نمایاں ہوا۔ بائیس سال بعد، 7 اکتوبر 2023 کو، تیسرے افسوس کے اسلام نے دوبارہ نمونہ جاتی، لفظی جلالی ملک پر ضرب لگائی۔ عنقریب آنے والے اتوار کے قانون پر ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مہر بندی مکمل ہو جائے گی، اور تیسرے افسوس کا اسلام ایک بار پھر ریاستہائے متحدہ پر ضرب لگائے گا۔

زمان مہر کا آغاز اسلام کی طرف سے زمینی درندے پر ایک حملے سے ہوتا ہے، اور اس کا اختتام بھی اسلام کی طرف سے زمینی درندے پر ایک حملے ہی سے ہوتا ہے۔ درمیان میں، تیسرے افسوس کا اسلام، اسرائیل کی قوم پر ضرب لگاتا ہے، جس کی بائبل نمائندگی یہوداہ کے طور پر کی گئی ہے۔ یہوداہ بائبل کی قدیم، لفظی، جلالی سرزمین تھا، اور ریاستہائے متحدہ جدید، روحانی، جلالی سرزمین ہے۔

سہ ضربہ اسلام، ہمگی بر ضد سرزمین جلال انجام شد۔ نخستین و آخرین آنہا بر ضد سرزمین جلال روحانی معاصر بود، و ضربہ میانی بر ضد سرزمین جلال تحت اللفظی باستانی وارد آمد۔ نشانہ راہ میانی حملہ ای علیہ ملت معاصر اسرائیل بود، و اسرائیل تحت اللفظی در مصلوب ساختن مسیح خویش، بہ نمادی از عصیان بدل شد، چنان کہ حرف سیزدہم الفبای عبری آن را نمایندگی می کند۔

دورہ تیاری 1776 سے 1798 تک تیسرے فرشتے کی تحریک کے دو سو بیس برسوں کے ساتھ بھی مربوط ہے، کیونکہ 1776 میں اعلان آزادی سے آغاز کرتے ہوئے 1996 تک، اور مجلہ The Time of the End کی اشاعت تک، کل دو سو بیس برس بنتے ہیں۔ اس تاریخ کے وسط میں 1989 میں اختتامی زمانہ ہے، جو نادان شریر کنواریوں کی بغاوت کو نشان زد کرتا ہے۔ لہذا 1611، 1776، 1789، 1798، 1831، 1989، 1996، 2001، 2023، اور جلد آنے والا اتوار کا قانون—یہ سب ایسے سنگ میل ہیں جو اس سچائی سے وابستہ ہیں کہ الوہیت جب انسانیت کے ساتھ متحد ہو تو گناہ نہیں کرتی۔ دس سنگ میل، جن میں سے دو دو مرتبہ دہرائے گئے ہیں۔

دہ عددی است کہ نمایانگر آزمون است، و ہنگامی کہ دو تاریخ تکرار شدہ 1776 و 1798 را با ہم جمع کنید، در مجموع دوازده نشانہ راہ بہ دست می آید کہ نمایانگر یکصد و چہل و چہار ہزار است۔ ہمہ نشانہ های راہ بہ فرایند آزمون یکصد و چہل و چہار ہزار می پردازند کہ از 11 سپتامبر 2001 تا قانون یکشنبہ ای کہ بہ زودی خواہد آمد جریان دارد؛ جایی کہ مسیح کار فرشتہ سوم را با متحد ساختن الوہیت خویش با انسانیت یکصد و چہل و چہار ہزار بہ انجام می رساند؛ همان کسانی کہ تا باقی ابدیت گناہ نمی کنند۔ البتہ، این حقیقت را تنها کسانی می توانند ببینند کہ، بہ گفتہ اشعیا، برمی گزینند کہ «بہ چشمان خود ببینند، و بہ گوش های خود بشنوند، و بہ قلب خود بفہمند، و بازگشت کنند، و شفا یابند۔»

در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، فرشتہ سوم فرا رسید، آنگاہ کہ مسیح ناگہان بہ ہیکل خود آمد تا مہر زدن صد و چہل و چہار ہزار نفر را بہ انجام رساند۔ سپس گروہی از میلری ہا، ہرچند پس از آن از پیروی نور پیشروندہ فرشتہ سوم بازایستادند و عصیان قادیس نخستین را تکرار کردند، مسیح را بہ درون قدس الاقداس پیروی کردند، و مقرر شد کہ در بیابان لائودیکیہ سرگردان شوند تا ہمگی بمیرند۔

ہنگامی کہ مسیح ناگہان وارد قدس الاقداس شد، اتحاد الوہیت و انسانیت نمایانگر کاری بود کہ او آمادہ بود بہ انجام رساند، و آن کار بہ گونہ ای نمادین بہ وسیلہ زبان شناس شگفت انگیز با دو شاہد بازنمایی شد۔ آن دو شاہد، حبقوق و یوحنا بودند۔ در فصل دو، آیہ بیست، در ہر دو کتاب، ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ مشخص شدہ است۔ یکی بر کار کفارہ (یگانگی بخشی) کہ در آن تاریخ آغاز شد تأکید می کرد، و

دیگری هیکلی را مشخص می‌ساخت که می‌بایست تطهیر شود.

معبدی که او ناگهان به آن آمد، همان معبدی را باز می‌نماید که به وسیله قوت «قربانی دائمی» (بت‌پرستی) و «مکروه ویرانگر» (پاپ‌گرایی) پایمال شده بود. این معبد همچنین نمایانگر مسیح بود، که همان معبدی است که ویران شد و سپس در سه روز برپا گردید. همچنین نمایانگر معبد میلری‌ها بود که در طی چهل‌وشش سال، از 1798 تا 1844، بنا شد. نیز نمایانگر معبد انسانی بود که به وسیله چهل‌وشش کروموزوم سامان می‌یابد و ساختار ژنتیکی بدن انسان را تعریف و تدبیر می‌کند. تصادفی نیست که هر سلول در بدن انسان، هر دو هزار و پانصد و بیست روز یک‌بار، به طور کامل جایگزین می‌شود.

در تمامی این تمثیل‌های الهی معبد که کار مسیح را در پیوند دادن الوهیت با انسانیت به تصویر می‌کشند، الوهیت همواره بر انسانیت مقدم است. 1611 بر 1831 مقدم است. 1776 بر 1798 مقدم است. 1776 بر 1996 مقدم است. 2001 بر 2023 مقدم است. میلری‌ها مسیح را تا به قدس‌الاقداس پیروی کردند. در ابتدا خدا انسان را آفرید.

اکنون بار دیگر به بررسی سه نقطه شاخص 1776، 1789 و 1798 باز می‌گردیم؛ نقاطی که نمایانگر دوره آمادگی‌اند، دوره‌ای که به طور نمادین زمان مهر نهادن را مجسم می‌سازد. دوره نخست، که با 1776، اعلامیه استقلال، و دوره دو کنگره قاره‌ای نمایانده می‌شود؛ و دوره دوم، که با 1789، قانون اساسی، و دوره مواد کنفدراسیون تا 1798 نمایانده می‌شود.

راز تمثال وحوش، که همان حقیقت این است که سر هشتم از میان هفت سر است، در هر دو دوره شناسایی می‌شود. این حقیقت همچنین در سومین Waymark آن تاریخ نیز شناسایی می‌گردد، اما آن Waymark به هشتمی می‌پردازد که از آن هفت است، چنان‌که به وسیله پاپیت تحقق یافته است. دو دوره نخست، تحقق هشتم بودن از آن هفت را در درون ایالات متحده بازنمایی می‌کنند.

ایالات متحده از دو شاخ تشکیل شده است؛ یکی با مرد مرتبط است و دیگری با زن. مرد، قدرت سیاسی است؛ این شاخ جمهوری‌خواه است. زن، قدرت دینی است؛ این شاخ پروتستان است. بنابراین، دوره‌ای که با 1776 و «اعلامیه استقلال» نمایانده می‌شود، نماینده شاخ پروتستان است، زیرا الوهیت همواره بر انسانیت تقدم دارد. دوره‌ای که با 1789 و «قانون اساسی» نمایانده می‌شود، نماینده شاخ جمهوری‌خواه است.

در سال ۲۰۲۰، هر دو شاخ به دست قدرت‌های اردهای مدرن شیطانی خداناباور کشته شدند. شاخ پروتستان حقیقی در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ کشته شد، و شاخ جمهوری‌خواه پس از آن در ۳ نوامبر ۲۰۲۰ کشته شد. در سال ۲۰۲۳، آن دو شاهد برخاستند، و جهان که بر اجساد ایشان شادی می‌کرد، به ترس افتاد.

در سال ۲۰۲۳، کار نهایی مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر در نسل پایانی تاریخ زمین آغاز شد. الوهیت اکنون برای ابدیت با انسانیت در هم آمیخته می‌شود، زیرا امینان ایام آخر برای ابدیت—صورت مسیح—را باز می‌آفرینند.

در سال ۲۰۲۳، آخرین مرحله پیوند دادن کلیسای مرتد با دولت مرتد در ملت حیوان زمین آغاز شد. در آن زمان، ساختار قدرتی که به وسیله پاپیت نمایان می‌شود، و از کلیسای مرتدی تشکیل شده است که بر دولتی مرتد فرمان می‌راند، در حال برپا شدن بود و تصویر حیوان را بازتولید می‌کرد.

آزمون بزرگ برای آنان که فراخوانده شده‌اند، آزمون دیدن شکل‌گیری صورت وحش است، چنان‌که با «آوازه‌ها، برق‌ها، رعد‌ها» و آمدن «زلزله» نمایش داده شده است. زمان مهرگذاری دوره‌ای است که در آن هر رؤیا اثر کامل خود را می‌یابد (تحقق). در دوره آمادگی از 1776 تا 1798، که نمونه‌ای از زمان

مهرگذاری است، چرخ‌هایی در میان چرخ‌ها وجود داشت؛ و این بخشی از همان رؤیایی است که حزقیال، هنگامی که در زمان مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار به مکان اقدس نگرست، مشاهده کرد. خواهر وایت آن چرخ‌ها را «تعامل پیچیده رویدادهای انسانی» معرفی می‌کند. دوره آمادگی از 1776 تا 1798 شامل برخی از آن «تعامل‌های پیچیده رویدادهای انسانی» بود که باید مورد توجه قرار گیرند.

یکی با این حقیقت مرتبط است که فرانسه انقلابی نمونه ایالات متحده آمریکا بود. هر دو ملت، پاپیت را بر تخت زمین می‌نشانند و هر دو او را از آن فرومی‌کشند. هر دو ملت قدرت نظامی و اقتصادی خود را وقف انجام آن عمل می‌کنند. هر دو ملت به ناگاه ادیان رسمی خود را کنار می‌گذارند تا کاتولیک شوند. هر دو ملت دچار «زلزله‌ای» می‌شوند که حکومت‌های مستقر ایشان را سرنگون می‌سازد. تاریخ هر دو ملت با سال ۱۷۸۹ به یکدیگر پیوند خورده است، زیرا در سال ۱۷۸۹، انقلاب فرانسه آغاز شد و قانون اساسی ایالات متحده به اجرا درآمد.

انقلاب فرانسه ده سال به طول انجامید. ناپلئون بناپارت در مراحل پایانی انقلاب فرانسه به قدرت رسید. او به یک رهبر برجسته نظامی بدل شد و پس از کودتای موفق خود در ۹ نوامبر ۱۷۹۹، که به نخستین کنسول جمهوری فرانسه شدن او انجامید، نقشی کلیدی در حکومت فرانسه ایفا کرد.

در دومین دوره از دوره آمادگی 1776 تا 1798، آن مردی که هشتم بود (نه از حیث توالی)، و از آن هفت به‌شمار می‌آمد، جان هنکاک بود. او یکی از هشت رئیس در دوره دوم بود که با سال 1789 (سال انقلاب فرانسه) نمود یافته است. او تنها کسی از آن هشت رئیس بود که در دوره نخست نیز، که با سال 1776 نمود یافته است، به‌عنوان رئیس ریاست کرده بود. از این رو، در این معنای نبوی، او هشتمی بود که از آن هفت بود.

او امضای دوره انسانی است، زیرا دوره نخست نمایانگر الوهی است؛ از این رو او همان امضایی است که هر دو دوره را به یکدیگر پیوند می‌دهد (الوهی و انسانی). امضای او شناخته‌شده‌ترین امضا در تاریخ بشر است، و بیش از صرف خوش‌خطی شگفت‌انگیزش را نمایندگی می‌کرد.

امضای جان هنکاک بر اعلامیه استقلال، مشهورترین امضا در تاریخ است. امضای بزرگ و پرزرق‌وبرق او به نمادی ماندگار بدل شده است که استقلال آمریکا و سرپیچی مستعمرات آمریکایی از حاکمیت بریتانیا را مجسم می‌سازد. هنکاک، که در زمان امضای اعلامیه در سال 1776 رئیس کنگره قاره‌ای بود، بنا بر گزارش‌ها نام خود را به‌گونه‌ای برجسته امضا کرد تا شاه جرج سوم بتواند آن را بی‌نیاز از عینک خود بخواند؛ امری که نماد جسارت او و تعهدش به آرمان استقلال بود.

هانکوک یکی از آن هشت رئیس‌جمهوری بود که به دوره ممثّل به 1789 تعلق داشت، اما او از جمله آن هفت مردی نیز بود که در دوره ممثّل به 1776 رئیس بودند. او در هنگامی رئیس بود که اعلامیه استقلال امضا شد. هانکوک این دو دوره را با امضای انسانی خود به یکدیگر پیوند می‌دهد، و او هم در تاریخ نخست و هم در تاریخ دوم جای دارد. تاریخ نخست نماینده امر الهی است و تاریخ دوم نماینده امر انسانی، و آن امضایی که این دو تاریخ را به یکدیگر پیوند می‌دهد، امضای آن لسان‌دان شگفت‌انگیز است که ابزاری انسانی را به کار گرفت تا دوره الهی ممثّل به 1776 را با دوره انسانی ممثّل به 1789 متحد سازد.

در تاریخ جهان تنها یک امضای دیگر هست که از حیث شناخته‌شدگی با امضای هنکاک برابری می‌کند، و آن نیز امضایی است مرتبط با سال ۱۷۸۹ و انقلاب فرانسه. این امضا همان‌گونه جسارت را در خود دارد که هنکاک قصد داشت منتقل سازد، و در تاریخ فرانسه یافت می‌شود.

از حیث شناخت جهانی و اهمیت نمادین، امضای ناپلئون بناپارت جایگاهی دارد که با امضای جان هنکاک سنجیدنی است، هرچند در بستری تاریخی و فرهنگی متفاوت. ناپلئون، که از رهبران برجسته نظامی و سیاسی فرانسه بود، اثری عمیق بر تاریخ اروپا و جهان بر جای نهاد، به ویژه در جریان جنگ های ناپلئونی. امضای او، که غالباً با سبک جسورانه و متمایزش شناخته می شود، به نمادی از نفوذ نیرومند او و دگرگونی های گسترده ای بدل شد که او به اروپا آورد، از جمله اصلاحات حقوقی معروف به قانون ناپلئونی.

همان گونه که امضای هنکاک نماد سرکشی در برابر سلطه بریتانیا و جست و جوی استقلال آمریکا است، امضای ناپلئون نمایانگر گونه ای دیگر از جسارت و بلندپروازی است—بازآرایی مرزهای سیاسی اروپا و ترویج آرمان های انقلاب فرانسه. هر دو امضا نمادین نقش شخصیت های تاریخی مربوطه در شکل دادن به سرنوشت ملت هایشان و نیز دلالت های گسترده تر اعمال آنان بر تاریخ جهان هستند.

وقتی حزقیال چرخ ها را در میان چرخ ها دید، که نمایانگر درهم تنیدگی پیچیده رویدادهای بشری در خلال تاریخ زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر بود، یکی از آن چرخ ها در سال ۱۷۸۹ به وسیله چرخى به صورت نمادین پیش نموده شده بود؛ هنگامی که قانون اساسی ایالات متحده، یعنی آن وحش با شاخ جمهوری خواه و شاخ پروتستان، با فرانسه، آن وحش با شاخ مصر و شاخ سدوم، تلاقی یافت.

از سال ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹، فرانسه دستخوش «زلزله ای» شد که منشأ آن وحش الحاد بود که از هاویه برآمد. در زمان مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار، ۱۷۸۹ نمایانگر دوره ای است که از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آغاز می شود، هنگامی که وحش الحاد شاخ پروتستان تیسم حقیقی را سرنگون کرد و کشت، و سپس در ۳ نوامبر ۲۰۲۰ وحش الحاد همچنین شاخ جمهوری خواهی را نیز سرنگون کرد و کشت. چرخ ۱۷۸۹ نمایانگر چرخ ۲۰۲۰ است، چنان که به وسیله ۱۸ ژوئیه (الوهیت) و ۳ نوامبر ۲۰۲۰ (انسانیت) نشان داده شده است.

خدا کا دستخط، جیسا که نوع انسانی کے ذریعے ظاہر کیا گیا ہے، دنیا کے دو نہایت مشہور دستخطوں میں پایا جاتا ہے، جو دونوں 1789 سے وابستہ ہیں، اور دونوں اُن طاقتوں کی نمائندگی کرتے ہیں جو پائائیت کو زمین کے تخت پر بٹھاتی اور اُتارتی ہیں۔ 1789، جو اُن تین نشاناتِ راہ میں درمیانی مقام رکھتا ہے جو خدا کے دستخطِ حق کی نمائندگی کرتے ہیں، "تیرہ" نوآبادیات کے دستخط اور فرانسیسی انقلاب کی "بغاوت" کو اپنے اندر رکھتا ہے۔

۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹، نمایانگر تاریخ انقلاب فرانسه است، و عدد ده بیانگر آزمون است. ۱۷۸۹ نخستین حرف «حقیقت» است، و ۱۷۹۹ آخرین حرف آن دوره در فرانسه را نمایان می سازد. دوره میانی با اعدام پادشاه فرانسه در سال ۱۷۹۳ مشخص شد، زیرا شهروندان بر ضد سلطنت متکبرانه او شوریدند.

«230 Մերժած խաղաղության ավետարանը շուտով, և առավել քան չափազանց անխուսափելիորեն, պիտի արմատախիլ արվեր, և արդյունքները սոսկալի պիտի լինեին: 1793 թվականի հունվարի 21-ին՝ այն իսկ օրվանից ուղիղ երկու հարյուր հիսունութ տարի անց, երբ Ֆրանսիան լիովին հանձն առավ Ռեֆորմատորների հալածանքը, մի այլ թափոր, բոլորովին այլ նպատակի համար, անցավ Փարիզի փողոցներով»: The Great Controversy, 230»

1789 آغاز شورش حرف سیزدهم برای وحش دوشاخ ایالات متحده بود، و نیز حرف نخست برای وحش دوشاخ فرانسه. حرف میانی فرانسه 1793 بود، هنگامی که سر پادشاه فرانسه از تن جدا شد، و ناپلئون نمایانگر حرف آخر بود آنگاه که در 1799 زمام حکومت را به دست گرفت. امضای «حقیقت» در

تاریخ سرنگونی فرانسه، که به وسیله 1789، 1793، و 1799 نمایانده شده است، چرخ نبوی است که با چرخ نبوی 1776، 1789، و 1798 به یکدیگر پیوند خورده است.

هر دو تاریخچه، دو مشهورترین امضا در تاریخ بشر را در بر دارند، و بدین سان امضای الهی «حقیقت» را با دو امضای انسانی به هم پیوند می دهند. هر دو چرخ با حرف سیزدهم در دوره مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار مرتبط اند؛ دوره ای که از کشته شدن دو شاهد در سال 2020 آغاز می شود و تا زمانی که آنان در سال 2023 برخاستند ادامه می یابد، و با 7 اکتبر 2023 مشخص می گردد.

هم اپنا مطالعه اگلی مضمون میں جاری رکھیں گے۔